

مداخله قوانین و دولت در منطقه آزاد نسبت به سرزمین اصلی، به بهانه‌های گوناگون مانند رونق تولید، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش خروج ارز و افزایش صادرات کمتر است؛ از این رو، برخی بر این باورند که منطقه آزاد ایده‌ای نولیبرال به حساب می‌آید.

(در مقابل حقیقی)، ذهنی (در مقابل عینی)، نظری (در مقابل مشاهده‌تی) و برساختی است. این عناوین معناهایی نزدیک به هم دارند. برای روشن‌تر شدن موضوع، نخست آن را با توجه به اصطلاحات فلسفی خود و در ادامه، از منظر «جان سرل» شرح می‌دهیم. منطقه آزاد، مفهومی ماهوری نیست؛ زیرا مابازاء عینی مستقل و منحاز ندارد. ثانی فلسفی نیست؛ چون مابازاء عینی ندارد و ثانی منطقی نیست؛ زیرا اتصافش ذهنی نیست.

از دیدگاه جان سرل، ذهنی و عینی گاهی در معنای هستی‌شناختی به کار می‌روند. در این معنا ذهنی و عینی محمول، به تعبیر سرل، هویت (Entities) یا انواع (Types) آن قرار می‌گیرد. وقتی موضوع یا هویتی را عینی می‌نامیم، یعنی نحوه وجود (Mode of Existence)، آن، مستقل از هرگونه سوژه‌ای است؛ برای مثال، گوسفند، هویتی عینی است؛ یعنی جدای از لحاظ وجود هر سوژه‌ای، گوسفند وجود دارد. ذهنی دانستن موضوع یا هویت از وابستگی آن به سوژه حکایت می‌کند؛ مانند اینکه پیچ‌گوشتی هویتی ذهنی است. به عبارتی، زمانی که سوژه، فلزی را پیچ‌گوشتی به حساب می‌آورد، در واقع، از کارکردی پرده برمی‌دارد که برای آن در نظر گرفته است. در واقعیت، فلزی خاص با فرمول شیمیایی خاصی وجود دارد؛ اینکه این فلز پیچ‌گوشتی است، کارکردی است که سوژه به آن نسبت می‌دهد.<sup>۱</sup>

با این توضیح، به این مهم رهنمون می‌شویم که تعریف منطقه آزاد کارکردی است که سوژه برای آن در نظر می‌گیرد یا به تعبیر دیگر، هدفی است که از ایجاد آن در سر دارد. اکنون این پرسش شکل می‌گیرد: کارکرد یا هدف منطقه آزاد را چه مرجعی تعیین می‌کند؟ پاسخ روشن است: قانون. قوانین کشور درباره منطقه آزاد کارکرد و هدف آن را تعیین می‌کند.

بر اساس ماده (۱) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد صنعتی جمهوری اسلامی ایران چنین برداشت می‌شود که هدف از ایجاد مناطق آزاد در ایران به این شرح است: تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهان و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی. این اهداف شایسته است؛ با وجود این، می‌توان سازوکاری را تصور کرد که این اهداف در خدمت منافع عده‌ای خاص مصادره شود.

پرسش مهم دیگری که باید در اینجا به آن پاسخ داد، این است: در چه وضعیت و با چه سازوکار و قوانینی منطقه آزاد به نفع مردم است و در چه صورتی به نفع عده‌ای خاص؟ باید توجه کرد که این سازوکار را قوانین منطقه آزاد مشخص می‌کند؛ برای نمونه، در برخی مناطق مداخله دولت حداکثری است؛ مانند مناطق آزاد کره جنوبی و بیشتر مناطق آزاد مالزی و برخی مناطق آزاد مکزیکی.

(۱) البته ذهنی و عینی گاهی نیز در معنای معرفت‌شناختی به کار می‌رود. در این معنا محمول گزاره‌ها با احکام قرار می‌گیرند. زمانی که از ذهنی بودن حکم یا گزاره‌ای سخن می‌رود، یعنی صدق و کذب آن وابسته به امر واقع نیست، بلکه بسته به نگرش‌ها و احساسات و... سوژه است؛ مانند «گزاره «این کوه زیباست» ذهنی است». در مقابل، عینی بودن حکم یا گزاره قرار می‌گیرد که از وابستگی صدق و کذبش به واقعیت حکایت می‌کند؛ مانند «گزاره «این گوسفند علف می‌خورد» عینی است».